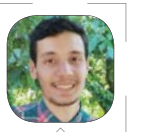


مروری بر رمان «اربعین طوبی»

مرهمی برای جامانده‌ها



اسماعیل بنده‌نگار
روزنامه‌نگار

شاید شما هم دلتان برای حضور در پیاده‌روی عظیم اربعین حسینی بتپد، ولی این امکان برایتان فراهم نشده باشد و در حسرت چشیدن طعم شیرین این سفر پرفیض مانده باشید؛ یا شاید هم جاذبه مغناطیس حسینی، شما را ربوده باشد و عازم دیار دوست باشید. در هر دو صورت، امروز یک پیشنهاد بسیار خوب برایتان داریم؛ «اربعین طوبی»، کتابی که مطالعه آن مرهمی است برای دل‌های جامانده، و همسفری برای زائران پیاده کربلای حسینی. کتابی که با خواندنش هم می‌توانید از یک رمان خوب و جذاب لذت ببرید و هم از میان سطرهای کتاب، سفری را شروع کنید از محله‌های جنوب تهران به بصره و نجف و کربلا...

داستان اربعین طوبی، نوشته سید محسن امامیان، داستان واقعی زندگی پرفراز و نشیب زنی است که ماجراهای تلخ و شیرین زیادی به سرش آمده است. به قول خودش، هر چهل روز یک‌گرمه به کار زندگی‌اش می‌افتد و هر ۴۰ روز دستی از غیب گرمه‌هایش را می‌گشاید! از همان کودکی که پدرش را در جریان کودتای ۲۸ مرداد از دست می‌دهد تا همین چند سال پیش که قرار است به سفر اربعین برود؛ زنی به نام طوبی که زاده تهران و ایرانی‌الصل است، اما در نوجوانی و پس از فوت پدرش، همسر مردی عراقی شده و راهی این کشور می‌شود و باقی عمرش را در بصره و در کنار هووی عراقی‌اش زندگی می‌کند. همین یک خط اصلی داستان، برای جذب مخاطب جهت خواندن این رمان کافی است، اما باید به شما بگویم که غیر از این، چند خط اصلی داستانی دیگر نیز در این رمان به طور موازی در جریان است و انتظار شما را می‌کشد که همه اینها باعث می‌شود نتوانید کتاب را کنار بگذارید و به کارهای دیگرتان برسید!

طوبی که اکنون در سال‌های پیری عمر خود است و داستانش را روایت می‌کند، سال‌هاست که چشم به راه پسر مفقودالآثرش است. پسری که همگان از آمدنش مأیوس شده و نام او را با عنوان شهید بر سینه دیوار زده‌اند، اما حسی مادرانه طوبی را همچنان امیدوار به بازگشت او نگاه داشته است.

زندگی پرفراز و نشیب این زن بستر مناسبی است برای روایت شادی‌ها و تلخ‌کامی‌های گذشته و حال این دو سرزمین؛ ایران و عراق. کشورهایی که در گذشته ملتی واحد بودند و برخلاف گسست‌های اعتباری، مشترکات اعتقادی و فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند. بی‌شک مهم‌ترین عامل این پیوند، جایگاه عتبات عالیات در آن سرزمین و دل‌های مشتاق در این سرزمین بوده و هست. حب اهل بیت (ع) حبل‌المتینی است که حتی جنگی نابرابر، طولانی و تحمیلی نتوانسته خدشه‌ای بر این پیوند ایجاد کند. شاهد این ادعا، کنگره عظیم پیاده‌روی اربعین و سفره‌داری مردم شیعه و محب عراق، برای زوار ایرانی و سایر کشورهاست.

اربعین طوبی گام به گام شما را به عمق تاریخ مشترک دو سرزمین ایران و عراق می‌برد و از گذشته‌های دور سخن می‌گوید تا همین امروز که عاشقان حسینی با پای پیاده به سوی قبله دل‌ها در حرکتند؛ از شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام و ارتباط همسر طوبی با این شخصیت‌ها، تا شهید چمران و لبنان و بسیاری از رزمندگانی که راه صد ساله را در یک شب رفتند و ارتباط آن با فرزند طوبی؛ از اعزام اجباری سربازان شیعه عراقی و پسران طوبی توسط صدام برای جنگ با ایران، از جنگ کویت و اختناق وحشتناک رژیم بعث صدام تا حماسه‌های شنیدنی مدافعان حرم و شهدای اهل سنت در برابر داعشی‌های جنایتکار؛ که همه این ماجراها در کنار هم، داستانی جذاب و خواندنی را از زندگی طوبی برای ما به تصویر می‌کشد. در واقع اربعین طوبی پلی است بین گذشته و حال، بین ایران و عراق، بین شیعه و سنی، بین مادر و فرزند، بین خواهر و برادر، بین عاشق و معشوق، و بین تهران و بصره و کربلا!

«اربعین طوبی» با قلم روان و جذابش، سبک زندگی اسلامی صحیح را به ما می‌آموزد. حتی زندگی عاشقانه خواهر طوبی و همسرش در این رمان، و همچنین سبک زندگی شیعیان عراقی بدون تحمیل زبان و نژادی خاص، نکات درخشان زیادی دارد.

اربعین طوبی بدون تعارف دلنشین است. ساده و روان است و خود به خود در وجود خواننده رمان جاری می‌شود. روایتش بین «دانای کل» و «اول شخص» دائم در حال تغییر است، اما این تغییر، مخاطب را سردرگم نمی‌کند. هنگامی که دانای کل روایت می‌کند، تصور می‌کنی با یک دوربین از بالا زندگی طوبی را همچون یک سریال تلویزیونی می‌بینی و جلو می‌روی و وقتی اول شخص (که همان طوبی است) روایت می‌کند، انگار که مادر بزرگ مهربانی کنارت نشسته است و با لطافت داستان زندگی عجیب خودش را برایت تعریف می‌کند. «اربعین طوبی» علاوه بر همه اینها توانسته است به مدد یک چالش عاشقانه بین نوه دختری طوبی با نوه پسری هووی طوبی، تعلیق خوبی را در داستان ایجاد کند. چالش عاشقانه‌ای که کار را به دعوای قومی و قبیله‌ای بزرگی می‌کشاند و اتفاقاتی که در پی می‌آید!

رمان اربعین طوبی، شما را وارد دنیای جدیدی می‌کند تا با ماجراهای آن بخندید یا احیاناً با برخی تلخی‌های آن اشک بریزید و در نهایت با سیل عظیم دلدادگان حسینی هم قدم شوید. کتابی که کنار گذاشتن آن سخت است و دوست دارید زودتر برگردید و ادامه ماجرا را پی بگیرید. این کتاب ۳۲۰ صفحه‌ای که به نوعی اولین رمان کامل با محوریت اربعین اباعبدالله (ع) محسوب می‌شود، سال ۹۵ توسط انتشارات جمران به چاپ رسیده، اما امسال در چاپ جدید، ویرایش جدیدی روی کتاب اعمال شده و طرح جلد کتاب نیز تغییر کرده است. خلاصه این را بگویم که به هیچ وجه این رمان را از دست ندهید و اگر این روزها وقت‌تان فقط به خواندن یک کتاب اربعینی می‌رسد «اربعین طوبی» را در اولویت بگذارید. □



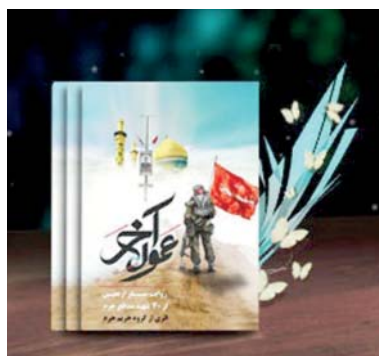
رمان اربعین طوبی،
شما را وارد دنیای
جدیدی می‌کند تا با
ماجراهای آن بخندید یا
احیاناً با برخی تلخی‌های
آن اشک بریزید و در
نهایت با سیل عظیم
دلدادگان حسینی
هم قدم شوید

پیشنهاد

به این عکس‌ها خیره شو!

علی سلیمی
روزنامه‌نگار

شاید عمود یک در مسیر نجف به سمت کربلا محل قرار بسیاری از کسانی است که می‌خواهند این مسیر را با هم طی کنند. وقتی به این نقطه می‌رسید با ازدحام جمعیت زیادی روبه‌رو می‌شوید که مشخص است منتظر کسی هستند تا بتوانند پا در مسیری بگذارند که انتهای آن رسیدن به دریا است. قطرات پای این عمود پراکنده شده‌اند تا دست قطره دیگری را بگیرند و به سوی دریا حرکت کنند. آنهایی که تجربه بیشتری در طی کردن این مسیر دارند پای عمود یک قرار نمی‌گذارند و در ادامه مسیر هم اعداد «ژند» را برای توقف و قرار انتخاب نمی‌کنند ولی سایرین که تجربه زیادی ندارند اعداد سرراست را برای توقف و تازه کردن دیدار انتخاب می‌کنند. هر عمود در این مسیر مزین به تصویر یکی از شهدای دفاع از حرم اهل بیت (ع) است. عمود یک عکس شهید مهدی نوروزی را با خود دارد. فرقی هم نمی‌کند که پای کدام عمود قرار بگذارید چون در تمام مسیر زیر نگاه شهدایی هستیکه برای امنیت این مسیر خون دادند تا امروز شاهد این سیل خروشان جمعیت باشیم. تصویر شهدایی از کشورهای مختلف و حرکت خلاقانه‌ای که برخاسته از یک ایده جذاب است تا اینطور با رهروان مسیر حسین (ع) یادآوری کند که در سایه چه کسانی هستیم و چطور زندگی می‌کنیم! حتی شاید شهدا و افرادی باشند که عکس و اسمی از آنها نیست ولی تاثیر آنها در زندگی امروز ما قابل چشم‌پوشی نیست.



کتاب «عمود آخر» روایتی از زیارت اربعین چهل شهید مدافع حرم است. شهدایی که نام برخی از آنها حتی به گوشمان نخورده ولی خون آنها بر خاک‌های داغ ریخته شد تا این مسیر باز باشد و عاشقان، عشق بازی کنند. شهید حسین همدانی، شهید سجاد زبرجدی، شهید سجاد طاهر نیا، شهید مجید قربانخانی، شهید محمد پور هنگ، شهید تقوی، شهید حسین پور ابراهیمی، شهید حسین حریری، شهید سجاد عفتی و... از جمله شهدایی هستند که در این کتاب خاطرات آنها از زیارت اربعین گردآوری شده تا خواننده اهمیت مسیری که طی می‌کند را بداند. این کتاب در حکم یک یادآوری و تذکر به موقع است. تذکری که شاید به دلیل ابتلائات روزمره و مشغولیت‌های زندگی در عصر جدید سبب شود یاد و نام کسانی که از بذل جان خویش دریغ نداشتند، فراموش شود و از این منظر این کتاب خواننده را در روایت‌هایی کوتاه و سرراست در برابر وجدان خویش و شهدا قرار می‌دهد تا اگر روزی قسمت شد پا در این مسیر بگذارد هم حکمت عکس‌هایی که روی هر عمود نصب شده را بداند و هم قدر لحظه لحظه مسیری که پا در آن گذاشته را بداند. □